

وزارت و وزراء سامانیان

(۴)

وزارت ابو عبد الله جیهانی

احمد بن ابوعلی محمد نواده جیهانی بزرگ در سال ۳۶۵ در زمان ابوصالح منصور بن نوح بمقام وزارت رسید و این وزیر یکسال در وزارت منصور بن نوح بود و پس از آنکه نوح بن منصور به امیری رسید یکسال هم وزارت وی را داشت که از آن شغل برکنار شد و عتبی بجای وی وزارت یافت.

دوران بیست و یکساله حکومت نوح بن منصور (۳۶۶-۳۸۷) ازدورانه‌ای سخت و پراغتشاش سامانیست. و شیرازه‌های حکومت سامانیان از هم پاشیده شده بود گذشته از آنکه الپکتکین حاجب دم و دستگاهی جداگانه در غزنین فراهم کرده بود سرداران در طمع ریاست بودند و تشنه جاه‌طلبی و خودنمایی. و قدرتی نیرومند یعنی بفرخان امیر یا خان ترکستان هم به حکومت سامانیان چشم دوخته بود و بدان طمع ورزیده و روی این اصل میدانست که سامانیان چندان پردوام نخواهند بود لذا بیخارا لشکر کشید و سرانجام هم حکومت سامانیانرا همین پادشاه ترکستان از هم پاشیده کرد.

اغتشاش و جاه‌طلبی و زورگوئی سرداران و سپهسالاران در زمان نوح بن منصور بدانجا رسید که در زمان امارت وی بیش از شش نفر به وزارت رسیدند و معزول شدند و این وزیران چندان دوامی نمی‌یافتند چون تحت تأثیر و نفوذ سرداران بودند و از عوامل مهم سقوط سامانیان را باید دخالت و اختلاف سرداران دانست و عوامل دیگری هم در میان بوده است.

وزارت ابو حسین عبدالله بن احمد عتبی :

دومین وزیر ابوالقاسم نوح بن منصور میباشد که در سال ۳۶۷ بعد از عزل جیهانی بوزارت رسید و مدتی زمام امور بردست وی بود. دوران امارت نوح بن منصور چنانکه مذکور افتاد با اغتشاشات سیاسی بزرگی همراه بود که مهمترین آن اختلاف داخلی سرداران و اغتشاش و اختلاف امیران خودکامه و جنگ طلب میباشد. عتبی در چنین وضع بحرانی منصب وزارت

یافت و گذشته از آن نوح بن منصور سپهسالاری خراسان را بناصرالدوله ابوالحسن سیمجوری واگذار کرده بود. خاندان سیمجوری بسبب نفوذ سیاسی چندین نفرشان سپهسالاری رسیدند و بقول مؤلف نسائم الاسحار همین وراثت سپهسالاری در خاندان سیمجوری سبب گردیده بود که آنان اجحاف و ستم زیاد بر مردم خراسان روا دارند . (۲)

و گذشته از آن بین سپهسالار خراسان ابوالحسن سیمجوری و عتبی رابطه خوبی برقرار نبود و نوح بن منصور خواه سیاست و یا بنیر ننگه در باره انتخاب عتبی بو وزارت با سیمجور مشورت کرد و عتبی را بخاطر جوان بودن برای وزارت لایقش ندانست و امیر را از انتخاب وی ممانعت میکرد و برخلاف نقشه سپهسالار نوح عتبی را بو وزارت برگزید. عتبی هم که از سیمجور کدورت یافته بود وقت را مفتنم شمرده و بی از سپهسالاری آن مقام پر نفوذ سیاسی ، برانداخت و ابوالعباس تاش را با لقب حسام الدوله روان خراسان کرد در سال ۳۷۱ هجری (۳) .

اما حسام الدوله تاش و عتبی وزیر با بحرانات سیاسی عجیب روبرو شدند و عتبی جان خود را در این اغتشاشات از دست داد.

شوشکا*** انسانی و مطالعات فرهنگی

بحران‌های سیاسی زمان وزارت عتبی:

فخرالدوله دیلمی وقابوس زبیری که از چنگک عضدالدوله گریخته بودند از نوح یاری خواستند. نوح هم حسام الدوله فاش و فایق را بمدد آن فرستاد اما فایق بسبب دوستی با ناصرالدوله سیمجور و همچنین به جهت عداوت با عتبی خیانت کرد و سپاه خراسان را بعد از محاصره گران شکست یافتند و راه عزیمت نیشابور در پیش گرفتند .

عتبی سپاه دیگری گرد آورد و خواست خود هم بیاری آنان بیاید در اثر دسیسه‌ها و نقشه‌های مخفیانه ابوالحسن سیمجور و فایق در سال ۳۷۲ بقتل رسید.

خواندمیر در دستورالوزراء نویسد:

«ابوالحسن سیمجور که بسعایت وزیر از حکومت خراسان معزول شده بود بقایق که در سلك عظمای امرای انتظام داشت، پیوسته و در تقبیح احوال وزیر فصول مینوشت و آن سخنان در ضمیر فایق جای گیر شده جمعی از غلامان را بر قتل وزیر اغوا نمود و ایشان درین مهم اتفاق کرده منتهز فرصت میبودند و ابوالحسن بر کیفیت حال اطلاع یافته متشمر گشت و شمه‌ای ازین معنی بمرض امیر نوح رسانید و امیر نوح جمعی از خواص غلام را به حراست وزیر مأمور گردانید .

اما چون تقدیر آسمانی بتدبیر انسانی دفع نمیتوان کرد در شبی که وزیر از منزل خاصه متوجه سرای امارت بود اعداء فرصت یافته بر ضربات متعاقبه جهان فضل و افضال را از پای در آوردند و حسام الدوله و فخر الدوله و وشمگیر در نیشابور مقدم وزیر میکشیدند که نگاه این خبر موحش شنیدند. سلك جمعیت ایشان از هم بگسیخت . حسام الدوله حسب الحکم متوجه بخارا گشت تا به تدارك آن حادثه قیام نماید و بعد از وصول بعضی از قاتلان ابوالحسن را پیدا کرد مثله گردانید باقی در اقطار آفاق متفرق شدند» (۴).

با قتل عتبی هرج و مرج سیاسی قلمرو حکومت سامانیان بیشتر گردید و وزراء بسرعت عوض میشدند و کاری از پیش برده نمیشد. امیران هم قدرت چندانی نداشتند که بتوانند رفتار سرداران خود گامه و خیره سر را محدود کنند و بدینسان حکومت سامانیان در شرف افول بود و چنین هم شد دیری نپائید که آخرین امیر این سلسله روزگاری دردناک گذراند و پس از مدتی سرگردانی بقتل رسید .

۱ - یادداشتهای قزوینی جلد دوم صفحه ۲۰۷ چاپ دانشگاه تهران

شماره ۲۵۳

۲ - نسائم الاسحار صفحه ۳۶

۳ - دستورالوزراء صفحه ۱۱۰

۴ - دستورالوزراء و زین الاخبار صفحه ۱۱۱ - و زین الاخبار